



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: نوآوری در فقه/بانکداری/ربا/ربای معاملی.

یکی از موضوعات بسیار مهم در مورد ربا این است که ربا بر دو قسم است؛ ربای معاملی و ربای قرضی که با هم فرق دارند، بیشتر بحث ما تا به اینجا و از این به بعد در ربای قرضی خواهد بود و در دنیا نیز ربای قرضی معمول است مثل اینکه کسی پولی را به عنوان قرض به بانک می دهد و بعد سودش را می گیرد یا اینکه خود بانک به افراد قرض می دهد و سود می گیرد بنابراین آنچه که معمول است ربای قرض می باشد ولی بر اساس روایات و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام ربای معاملی نیز داریم، ربای معاملی آن است که دو جنس با هم معامله می شود یعنی معامله کردن هر جنس مکیل و موزون و اضافه دریافت یا پرداخت کردن مثل برنج یا گندم یا گوشت و شیر یک حیوان و امثال ذلک نه چیزی که معدود است مثل تخم مرغ بنابراین ربای معاملی حرام است.

خب واما بحث امروز ما در این است که برخی از فقهاء ما خواسته اند با ضم ضمیمه ربای معاملی را حلال کنند و موضوع را تغییر بدهند و تخلص از ربا ایجاد کنند.

سید عبد الاعلی سبزواری در مذهب الاحکام تخلصاتی برای ربا ذکر کرده که مقداری از کلام ایشان را می خوانیم: « (مسئله ۱۹): یتخلص من الربا بوجوه: الأول: ضم غیر الجنس إلى الطرفين، كأن یبیع مناً من الحنطة مع درهم بمنین من الحنطة و

درهمین .أو ضم غیر الجنس إلى الطرف الناقص، كأن یبیع مناً من حنطة مع درهم بمنین منها، و لو خرجت القيمة مستحقة للغير لا یضر بصحة البیع، سواء أجاز الغير أولاً.

الثانی: أن یبیع کیلو من الحنطة- مثلاً- إلى زید بدرهم ثم یشتری منه کیلوین من الحنطة بالدرهم.

الثالث: ما إذا وهب کل من المتبایعین جنسه للآخر مجاناً من غیر قصد المعاوضة، و لا اشتراط الهبة فی الهبة.

الرابع: أن یقرض کل منهما جنسه لصاحبه ثم یتبارئ(اسقاط ما فی الذمه) مع عدم الشرط.

الخامس: أن یتبایعا بقصد کون المثل فی مقابل المثل و کون الزائد هبة مستقلة مجانية.

السادس: أن تكون الزيادة مورد الصلح بعوض أو بلا عوض شرط فيه مبادلة المثل بالمثل أو لم یشرط.

السابع: أن یبیع کیلو من الحنطة بدرهم، ثم یعطیه المشتري کیلوین وفاء عما فی ذمته.<sup>۱</sup>

اینها صوری هستند که برای تخلص از ربای معاملی ذکر شده اند منتهی بحث در این است که آیا با این توجیها می توان ربا که با آن شدت از آن نھی شده را حلال کرد یا نه.

شهید اول و ثانی در لمعه و شرح لمعه نیز قائل به تخلصات در ربای معاملی شده اند که مقداری از کلام

شهید شرح لمعه را می خوانیم: « (الفصل الثامن- فی الربا) بالقصر وألفه بدل من واو (ومورده) أي محل وروده (المتجانسان إذا قدر بالکیل، أو الوزن و زاد أحدهما) عن الآخر قدراً ولو بکونه

<sup>۱</sup> مذهب الاحکام، سید عبد الاعلی سبزواری، ج ۱۷، ص ۳۲۲، مسئله ۱۹.

بنابراین ضم ضمیمه حرمت ریای معاملی را رفع نمی کند  
و تخلصی برای آن ایجاد نمی کند.  
بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین

مؤجلاً...إلی: (ویتخلص منه) أي من الربا إذا أريد  
بيع أحد المتجانسين بالآخر متفاضلاً (بالضميمة) إلى  
الناقص منهما، أو الضميمة إليهما، مع اشتباه الحال،  
فتكون الضميمة في مقابل الزيادة.

(ويجوز بيع مد عجوة ودرهم بمدین، أو درهمین،  
وبمدین ودرهمین وأمداد ودرهم، ويصرف كل إلى  
مخالفه) وإن لم يقصده، وكذا لو ضم غير ربوي، ولا  
يشترط في الضميمة أن تكون ذات وقع في مقابل  
الزيادة، فلو ضم ديناراً إلى ألف درهم ثمننا لألفي  
درهم جاز، للرواية، وحصول التفاوت عند المقابلة،  
وتوزيع الثمن عليهما باعتبار القيمة على بعض الوجوه  
لا يقدر، لحصوله حينئذ بالتقسيت، لا بالبيع،  
فإنه إنما وقع على المجموع بالمجموع، فالتقسيت  
غير معتبر ولا مفتقر إليه. ٢.

امام رضوان الله عليه زير بار تخلص از ربا نمی رود و آن  
را نمی پذیرد، ایشان در تحریر الوسيلة اینطور می فرماید:  
« (مسئله ٧): ذكروا للتخلص من الربا وجوهاً مذكورة  
في الكتب، و قد جدتُ النظر في المسألة،  
فوجدت أن التخلص من الربا غير جائز بوجه من  
الوجوه، والجائز هو التخلص من المماثلة مع  
التفاضل، كبيع من من الحنطة المساوي في القيمة  
لمن من الشعير أو الحنطة الرديّة، فلو  
أريد التخلص من مبيعة المماثلين بالتفاضل، يضم إلى  
الناقص شيء فراراً من الحرام إلى الحلال، وليس  
هذا تخلصاً من الربا حقيقة. و أما التخلص منه فغير  
جائز بوجه من وجوه الحيل. ٣.

<sup>٢</sup> الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، شهيد ثاني، ج ٣، ص ٤٤١.

<sup>٣</sup> تحرير الوسيلة، امام خميني (ره)، ج ١، ص ٥٧٢، مسئله ٧.